

(۴)

انحراف از روش پیامبر چه آثار سوء ببار آورد؟

عکس العمل الفاء بحث منطقی و فکر فرهنگی

تأثیر در سیر معنوی و معاد شناسی

پس از گذشتن قرنی تاریکی جهل، جامعه اسلامی را فرا گرفتند و از طرف مسلمانان از جهت ناسم تهری که با جامعه معاصر علمی و فرهنگی جهان داشتند نیاز شد بدور از قرون خود ملامت فلسفی و استدلالی برودند و چون در اثر تقلید غیر حقیقی هرگز گمان نمی کردند که در متن کتاب و سنت معادلی حقیقی و منطقی وجود داشته باشد، لذا نسبت به آن سوءتفاهم بزرگ دراز کردند و در اواخر سلطنت «بنی امیه» و اوائل سلطنت «بنی عباس» کتاب زیادی در متعلق و فلسفه و در بابیات و غیر اینها از یونانی و سریانی و زبانهای دیگر به عربی ترجمه نمودند.

ورود این علوم به جامعه اسلامی اگر چه با شور و شعف زیادی توأم بود و خلافت وقت از این وسیله‌های تازه بهره، کاملاً حمایت می‌کردند ولی بر خلاف انتظار بوسلفان و بر خورده که فلسفه الهی یا برخی از مسائل اعتقاد اسلامی که با مبک کلام توجیه می‌شدند با کلام معصود از این میان متکلمین وقتها و کما یارادت و استمرار تا امروز متوقف می‌شدند و میان طرفداران فلسفه در گرفت و بالاخره فلسفه متروک یا در حکم متروک ده کلامه بخاطر این مزیت که پستیهای خود را بقیه و اوقات شرح (المتروک شیشه‌ها) (پیام مهدی) پیش گرفت.

این قضیه را تا اندازه‌ای در مساجد معاصی گذشته که منتشر شده است شرح داده‌ایم.

۲ - تأثیر در سیر معنوی و معاد شناسی

کتابیکه در حیات معنوی و کمالات باطنی مطالبات کافی دارد و مقاصد حقیقی این رشته از علوم را در یافته‌اند بهر پروردگار می‌کنند که روش این سیر باطنی و حیات معنوی روی این اساس استوار است که کمالات باطنی و مقامات معنوی انسان یک درشته و اقیامت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است و در عالم باطن که موطن حیات معنوی است جهانی است بسیار اصیل تر و واقعبینانه تر و پستاورتر از جهان ماده و جسمی، مقامات معنوی و اقیامت‌ها و موقعیتهای حیاتی آسمانی برای انسان هستند و هرگز از قبول ما هم تشریف و مقامات و مناسب و معاون و ضعیف و قرار دادی اجتنامی نیستند.

توانگری و فقر، بزرگی و کوچکی، آقائی و نوکری، فرماندهی و فرمانبری، یک کرشمه‌مانی و عناوین و شخصیت‌های وضعی و قراردادی هستند که برای پاره‌ای از مقاصد اجتماعی وضع شده با موازین اجتماعی مخصوصی باین و آن داده می‌شوند بدون اینکه احطای منسب فرماندهی به فرمانده و فرمانبری به فرمانبر تأثیری در طبیعت خارجی و تنبیری در وجودشان داده باشد، و بدون اینکه ه ثروت، جزو بدن و ثروتمند، شود یا با از دست رفتن مال چیزی از وجود انسان بکاهد یا کم شود.

همچنین هر گز میان عملی از اعمال اجتماعی، و میان نتیجه خوب یا بد آن، رابطه‌ای جز رابطه اعتباری و قراردادی وجود ندارد، و لذا می‌بینیم عملی که روزی پاداش خوب دارد (بسیار اتفاق می‌افتد) روزی دیگر پاداش بد بآن می‌دهند یا اساساً لغوی اثر می‌شود.

مقامات و عناوین اجتماعی عموماً اعتباری و تابع قرارداد می‌باشند، همچنین روابط میان این مقامات و عناوین میان اعمالی که آنها از آن سرچشمه می‌گیرند و همچنین روابط میان این مقامات و عناوین، و میان نتایج و آثاری که در اجتماع دارند، عمدتاً اعتباری و قراردادی است ولی رابطه میان اعمال و افعال انسانی و میان حالات و ملکات که در نفس او وجود می‌آورند، همچنین رابطه میان این حالات و ملکات، و میان مقامات و مدارج باطنی که انسان بر می‌کند، و همچنین خود این مقامات در مراحل باطنی و اعمالی که این مراحل را در بردارد همه از قبیل موجودات اصیل و واقعی و بیرون از سلطه و حکومت ماده و طبیعت می‌باشند.

خلاصه حیات معنوی و معادشناسی (بهر شکل می‌خواهد باشد) بر اساس اساتک عالمین استوار است.

و از همین جا روشن است که نظریه سابق که اساس و خلاصه آن‌ها بی، بر آن قرار داده شده بود و به متضای آن «سنت اسلامی» تنها یک سنت اجتماعی و شناخته می‌شد و با بهای اصلی آن تنها مصالح حیاتی بود که با افکار اجتماعی قابل درک است این نظریه با مسئله سیر معنوی و مدار شانس چگونه مناسبتی ندارد و سازش دادن میان این نظریه و میان معادشناسی یکی از محالات است زیرا اساساً «سنت معنوی» در دو نقطه متقابل قرار دارند که نزدیکی یکی از آنها دوری از دیگری است!

و از همین جا است که می‌بینیم در صدر اسلام و در زمان خلفا از روش باطنی و تکامل معنوی خیری نیست و جز عده‌ای از زهاد و عباد که تنها با عمل صالح معروف بودند کسی با یک عنوان دیگر تظاهر نکرده است و این امر تا اوایل سلطنت عباسیین ادامه داشت.